

گروه سخیف خلق و پرچم رو سیاہان واقعی تاریخ اند

سر لوخ مرادزی ها از عمق باطلاق باز هم سر بلند میکنند

ملت مظلوم افغانستان بعد از سقوط سلطنت و دوره وابسته و گزرای کودتای سرطان، با کودتای منحوس ثور که با جمعی وجدان فروختگان وطنی وابسته به اتحاد شوروی و بستگی به سفارت آن کشور متجاوز سازمان دهی گردید، تا ایندم روی آسایش و صلح را که حق مسلم شان بود ندیدند. در پهلوی تجاوزات علنی و پنهان همسایگان غدار، گروه و گروپ های وابسته به غیر که مهر خیانت به وطن و وطندار در پیشانی های کثیف شان برای ابد حک گردیده است، بعد از سقوط و ناکامی مولا و ولینعمت شان اتحاد شوروی، از ترس شناسایی و افشای خیانت و جنایت در حق افغان و افغانستان، در حالیکه محتاج لقمه نانی از خوان خیرات ممالک غربی «!» بوده اند، سالهای زیادی در گمنامی و خفا بسر بردند... چون دزدی که در سر پردازد.

در حالیکه هر وابسته و هوا خواه حزب غیر ملی و نادموکرتیک خلق با سوابق سیاہ شان، در هر سوراخی که پنهان گردیده و هر نقابی که بر رخ کشیده باشد، بدون شک تا دم مرگ دشمن ملت مظلوم افغانستان محسوب گردیده و مسئول هر قطره خونی است که در جنایات و خیانت های آنان در آن سرزمین مقدس ریختانده شده است!

طوریکه متأسفانه دیده میشود که واقعاً توبه گرگ مرگ بوده است، باز هم روز بروز هواخواهان ناکام «رژیم پیرو لینن» و گدا صفتان محتاج و پناهنده به غرب به ریا و سفسطه سرایی در مورد عصر خونین اشغال مادر وطن میپردازند، چنانچه که تربیت سازمانی آنان هنوز حلقه بگوشی اتحاد شوروی سابق را در اذهانشان زنده نگه میدارد.

در حالیکه از سقوط و شکست خجالت بار ابر قدرت سخیف و متجاوز اشغالگر، ۳۴ سال سپری میگردد و تعداد زیادی از زیر دارگریختگان حزب مفلوک و وجدان باختہ جمهوری نادموکراتیک خلق، به کمک چاکران روسیہ فیدرال، یعنی زمرد فروشان پنجشیر و شخص چند چهره «احمد شاه مسعود» و ائتلاف جمیعت وی با حزب مضمحل گشته پرچم، با دستیافتن به هزاران پاسپورت، این

بیوطنانی که با نان و نمک شوروی پرورش یافته بودند و سال ها داد از نفرت از «امپریالیزم غرب» میزدند، مذبحانه برای گدایی به همان کشور ها پناهنده شدند... نه به اتحاد شوروی مضمحل و شکست خورده از مجاهدین سر بلند و برحق افغانستان!!

یکی ازین مسخ گشتگان وابسته به وطنفروشان حزب غیر دیموکراتیک خلق گمراهی است به نام «سرلوخ مرادزی» که در خاک پاک افغانستان تولد شده است ولی سوانح وی نشان دهنده آنست که در عصر خونین اشغال افغانستان عزیز که به حکم تاریخ از آسمان و زمین راکت، توپ و گلوله بر ملت بی دفاع افغانستان حواله میگردید و در کشت زار ها سامان بازی کشنده بر اطفال وطن میریخت و ملیون ها مجاهد سر به کف در کوه و دشت با جان نثاری و شهامت قهرمانانه از وجب و جب خاک مادر وطن برای شکست دشمن دفاع می نمودند، این فراری به غرب در سنوات مختلفه به خدمت دشمن و مورد قدردانی و کسب مناسب مختلفه و «درفش سرخ نشان» از باداران اشغالگر قرار میگرفت «آرشیف سایت افغان جرمن»

.....از داستان های شهامت و قهرمانی مجاهدین واقعی افغانستان طور مثال قصه پدربست که سه فرزند را در شهادت برای جهاد مقدس بر علیه عسکر سرخ شوروی از دست داده بود و شکر خدا را بجا می آورد که فرزند چهارمی ای دارد که برای نجات وطنبه جهاد پیوسته است! شاید این جریانات افتخار آفرین زمانی بود که گمراهانی چون «سرلوخ مراد زی ها» با مقرری از جانب باداران وطن فروش به سفارت خانه ها و دریافت نشان های خوش خدمتی به دشمن و اشغال خاک مقدس افغانستان به ابرقدرت سوسیال دیموکرات اشغالگر مشغول فعالیت بودند.

زمانی که خیانت پیشه قهاری از سر سپردگان علنی حزب نادیموکراتیک خلق و مخلوقی سست عنصر و بی اعتقاد و دمدمی مزاجی چون «سلیمان نا لایق» برای پاسخ به جنایات و خیانت های ملی بر مردم مظلوم وطن به اسفل اسافلین پیوست، همکار وفادار وی «سرلوخ مرادزی» البته که در وصف هم ره و همگام کجرو تکیه به شوروی خویش به حمد و ثنای کاذب در احوال آن وطن فروش تربیت یافته افکار لینن پرداخت..... البته برای او و همگامان وی نا ممکن بود که چنین شهامت کاذبی را در دهه های نخست فرار به اروپا و پناه بردن بر خوان خیرات کشور غربی «سویدن» از خود نشان دهد. ولی مشاهده میگردد که بتدریج از عمق باطلاق بر روی آن، کثافتاتی شناور میگردد که عقل سلیم آنرا باور نمیکند.

دانشمند و نویسنده ملیگرا محترم «حمید انوری» مدیر مسئول وبسایت ملی «استقلال خیلواکی» بتاريخ ۰۲ اپریل در وبسایت «افغان جرمن» به سطور مذخرف، پراکنده و شعر گونه بی تحت عنوان

«**کفاره**» بر میخورد که ذریعه همین «**سرلوح مراد زی**» مذکور ارسال گردیده است که محتوی آن ادعای نویسنده را در نفی، انکار و اغماض جهاد مقدس مردم افغانستان با «**اتحاد شوروی وقت**» در عصر خونین اشغال سرزمین مقدس افغانستان ذریعه قوای سرخ و پامال خون ملیون ها شهید راه آزادی افغانستان عزیز و مخصوصاً شکست بیش‌مانه آن ابر قدرت وقت و فروریختن سلطه آنکشور در نیمی از جهان به اثبات میرساند!

درین ادعای کاذب و سفیهانه که چنین سفسطه سرایی دقیقاً خواسته که سر سپردگی خویش را یکبار دیگر به گروه وطن‌فروشان ناکام و «**لیننیست شوروی سابق**» به اثبات برساند، در حالیکه خود و فامیل در خون خیرات کشور غربی «**سویدن**» محتاج اند، ادعا دارد که جنگ مجاهدین افغان بر علیه شوروی اشغالگر و عمال وطنی خاین آن نه بوده «؟!» بلکه به دسیسه «**پنجابیان- پاکستان**» بوده است! یا الله!!

این سفسطه سرا که هنوز از طریق فضای مجازی در حال فریب و خدعه علیه ذهنیت نسل های ما نه تنها سر، بلکه پاهم لچ نموده، مسئول ملیون ها کشته، معیوب و جمیع آوارگان وطن است که وی و امثال وی با سر سپردگی به اتحاد شوروی سابق زمینه بربادی و تباهی افغان و افغانستان را بیشتر از چهار دهه فراهم نموده اند!

برای حمایت از چنین گمراهان جوامع افغانی، متأسفانه بعضی از وبسایت ها با نشر تبلیغات نا روا و دور از حقیقت زمینه تحریف و شستسوی مغزی نسل جوانی را که در حال رشد و آموختن تاریخ کشور اند، فراهم نموده و در این اصل مهم، جهاد مقدس ملت شریف افغانستان را که بدون شک تغییرات جهانی آشکارایی را سبب گردید و رژیم ابرقدرتی چون سوسیال دیموکرات شوروی را برای همیشه متلاشی نمود، انکار نموده و ذهنیت عامه را به بیراهه سوق میدهد!!

در سطر اخیر چنین ابراز میدارد: **(په کوم مخ به سپیناوی له تاریخ غواری)** بلی، با سوابق ننگین و کجروی های غیر ملی، این سؤال ملت افغان است که چنین اشخاصی با کدام روی سفید «?!» میخواهند در تاریخ معرفی گردند!؟

لطفاً به ضمیمه ذیل که شاید در نوع خود بینظیر باشد توجه نمایید:

سرلوح مراندزی

کفاره

ته افغان وي نو پنجاب ته ولي لاري؟
خان دي ولي کړ پردي جنگ کي لتاري
هغه جنگ چي د جهاد په نوم راپيل شو
د پنجاب يوه دسيسه وه، سر تر غاري
د خپل ورور پر ضد پنجاب سره مرچل کي
شرم نه وو، جنگېدي چي غاره غاري
ويجاري کي دي چنگيز ته برانت ورکړ
خپل کابل دي کړ پنجاب په خوله، ويجاري
د وطن ورائي کي کم تر پنجاب نه يي
دار نه دار دي ټول پنجاب ته کړ کباري
چا چي زده کړه له تاريخه کړي نه وي
په هر څرخ کي د تاريخ يي وځي داري
له لاس تللي فرصتونه نه راگرځي
گټه نه کړي که پخپلو سهوو ژاري
کفاره د گډ سنگر د پنجاب نه شي
په کوم مخ به سپيناوي له تاريخ غواري
د ۲۰۲۳ کال د مارچ ۳۱ مه

در پایان قبل از مطالعه مضامین ارزشمند دو ملیگرا و نویسندگان خبره هریک محترم «حمید انوری» و محترمه داکتر «فریده نوری» در زمینه مورد بحث ما، لطفاً تغییری را برای ابراز حقیقت مسلم از تاریخ واقعی مردم افغانستان و مبارزات قابل افتخار مجاهدین سر به کف آن خطه پاک، در متن سفسطه سرایی و تحریف حقایق، ذریعه نویسنده خبره و وطنپرست «حمید انوری» صورت گرفته است، تقدیم میدارم:

ته افغان وي نو **ماسکو** ته ولي لاري؟
خان دي ولي کر پردي جنگ کي لتاري
هغه جنگ چي د **کارگر** په نوم راپيل شو
د **ماسکو** يوه نسيسه وه، سر تر غاري
د خپل ورور پر ضد **ماسکو** سره مرچل کي
شرم نه وو، جنگېدي چي غاره غاري
ويجاري کي دي چنگيز ته برانت ورکړ
خپل **ملک** دي کر **ماسکو** په خوله، ويجاري
د وطن ورائي کي کم تر **کرملين** نه يي
دار نه دار دي ټول **کرملين** ته کر کباري
چا چي زده کره له تاريخه کړي نه وي
په هر څرخ کي د تاريخ يي وځي داري
له لاس تللي فرصتونه نه راگرځي
گټه نه کړي که پخپلو سهو ژاري
کفاره د گډ سنگر د **ماسکو** نه شي
په کوم مخ به سپيناوي له تاريخ غواري

اميدواريم مسئولان وېسايټ های افغانی با تکیه بر ارزش های ملی، افشاء رویداد ها و حقایق تاریخ نیم قرن اخیر افغانستان عزیز و روشنگری برای نسل های ما، منحيث یک وظیفه مقدس افغانی، بیشتر توجه مبذول دارند تا صفحات منتشره آنان باعث گمراهی ذهنی نسل های ما و تحریف حقایق مبرهن تاریخ وطن نگردد.

برای مطالعه مضامین مربوطه بر لینک های آتی کلک نموده ممنون سازید:

درنگی بر یک چرند

درنگ دیگر بر چرند دیگر

نفرت از چرندیات سرلج